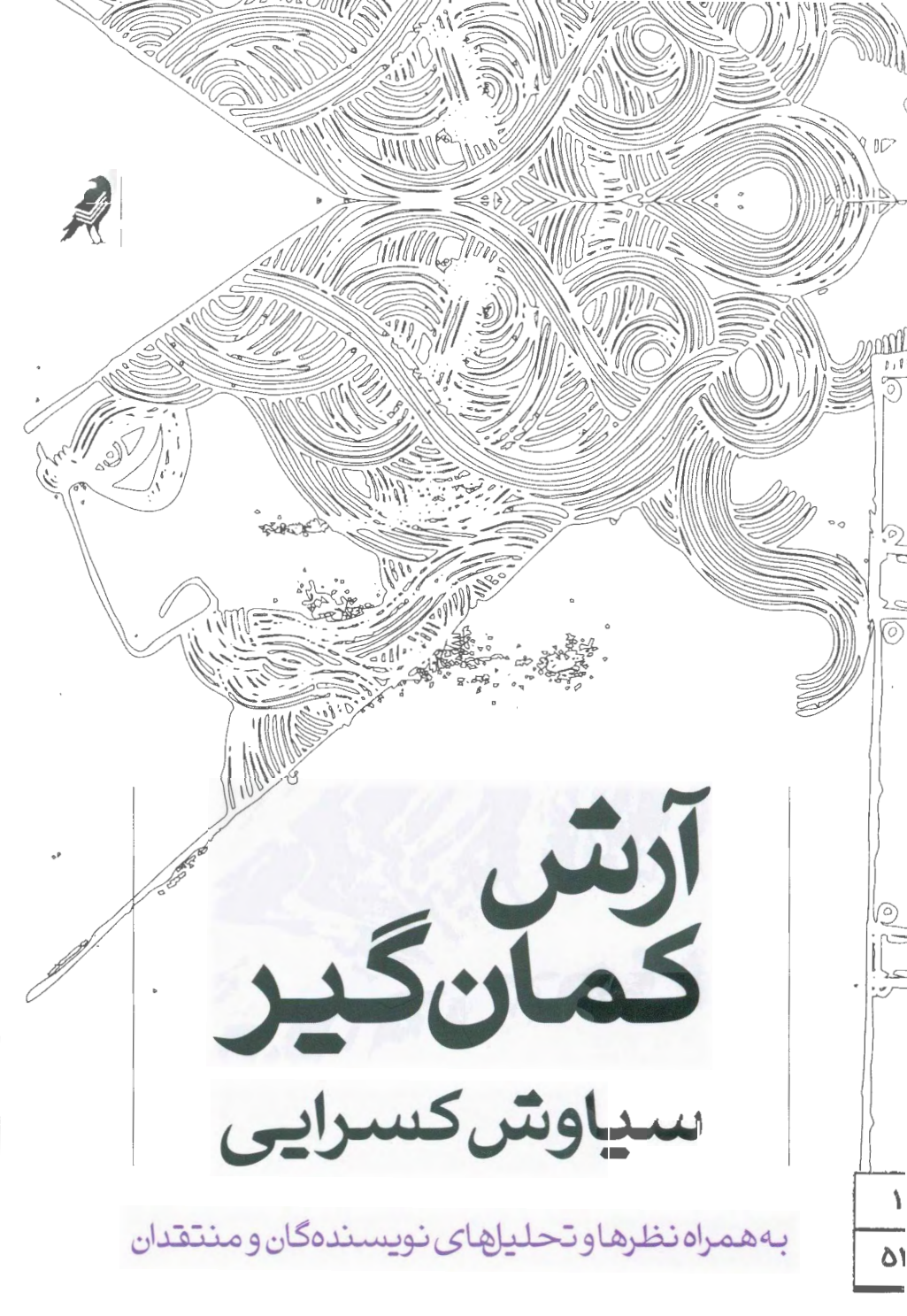




آرش کمان گیر

سیاوش کسرایی

به همراه نظرها و تحلیل‌های نویسندگان و منتقدان



برف می بارد:

برف می بارد به روی خار و خاراسنگ.

کوهها خاموش.

درهها دل‌تنگ:

راه‌ها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...

ISBN 978-600-94188-8-6



9 786009 418886



آرش کمان گیر

از سیاوش کسرایی:

آمریکا! آمریکا!
آوا
از قرق تا خروس خوان
با دماوند خاموش
به سرخی آتش به طعم دود
پیوند
تراشه‌های تبر
چهل کلید
خانگی
خون سیاوش
ستاره‌گان سپیده‌دم
سنگ و شبنم
مهره‌ی سرخ
هدیه برای خاک
هوای آفتاب



نشر کلاغ

آرش کمان گیر

یک منظومه از
سیاوش کسرای

به همراه نظرها و تحلیل های
نویسنده گان و منتقدان

نشر کلاغ

تهران - صندوق پستی ۳۷۴۹ - ۱۴۱۵۵

تلفن - دورنگار: ۸۸۹۹۷۳۹۹

kalaghpublish@gmail.com

آرش کمانگیر - یک منظومه / سیاوش کسرایی / چاپ اول کلاغ:
 ۱۳۹۳ / شماره‌گان: ۱۱۰۰ / طراحی و صفحه‌آرایی: آتلیه نشر کلاغ
 / طرح جلد: رضا موسوی / تصویرساز: مونا انتخابی / چاپ و
 صحافی: پژمان / قیمت: ۴۸۰۰ تومان / حق چاپ و نشر به هر
 شکل برای ناشر محفوظ

شابک: ۹۷۸۶۰۰۹۴۱۸۸۸۶

سرشناسه: کسرایی، سیاوش، ۱۳۷۴-۱۳۰۵.

عنوان و نام پدیدآور: آرش کمانگیر/ سیاوش کسرایی.

مشخصات نشر: تهران : نشر کلاغ، ۱۳۹۳.

شابک: 978-600-94188-8-6

وضعیت فهرست نویسی: فیا

یادداشت: عنوان به انگلیسی: Siavash Kasraei. Arash-e kamangir.

موضوع: شعر فارسی -- قرن ۱۴

رده‌بندی دیویی: ۸۵۱/۶۲

رده‌بندی کنگره: ۸۱۸۴PIR / س ۱۳۹۳۴۳ آ ۴۳

شماره‌ی کتاب‌شناسی ملی: ۳۵۱۳۳۱۷



فهرست

۷.....	منظومه‌ی آرش کمان‌گیر.....
۲۹.....	آرش در آیینهِ نگاه‌ها.....
۳۱.....	مهدی اخوان ثالث (م. امید).....
۳۳.....	محمود اعتمادزاده (م. ا. به‌آذین).....
۳۷.....	رضا براهنی.....
۳۹.....	سیروس پرهام (دکتر میترا).....
۴۰.....	علی اصغر حاج سیدجوادى.....
۴۱.....	محمد حقوقی.....
۴۲.....	عبدالعلی دست‌غیب.....
۴۳.....	جلیل دوست‌خواه.....
۴۴.....	یدالله رویایی.....
۴۵.....	عبدالحسین زرّین‌کوب.....
۴۶.....	محمد رضا شفیعی کدکنی (م. سرشک).....
۴۷.....	کامیار عابدی.....
۵۸.....	ف. خ. ا. م. [= فرامرز خدیوی / احسان مژده = آیدین آغداشلو / شمیم بهار].....
۵۹.....	م. ز. [= مسعود زوارزاده].....
۶۰.....	حیدر مهرگان (رحمان هاتفی).....
۷۶.....	پرویز ناتل خانلری.....

منظومه‌ی آرش کمان‌گیر

برف می بارد؛
برف می بارد به روی خار و خاراسنگ.
کوه ها خاموش،
دره ها دلتنگ؛
راه ها چشم انتظار کاروانی با صدای زنگ...

بر نمی شد گر ز بام کلبه ها دودی،
یا که سوسوی چراغی گر پیامی مان نمی آورد،
رد پاها گر نمی افتاد روی جاده ها لغزان،
ما چه می کردیم در کولاکِ دل آشفته ی دم سرد؟
آنک، آنک کلبه یی روشن،
روی تپه، روبه روی من...

در گشودندم.
مهربانی ها نمودندم.
زود دانستم که دور از داستانِ خشمِ برف و سوز،
در کنار شعله ی آتش،
قصه می گوید برای بچه های خود عمونوروز:

«... گفته بودم زندگی زیباست.
گفته و ناگفته، ای بس نکته ها کاین جاست.

۱۰ ■ آرش کمانگیر

آسمان باز؛

آفتاب زر؛

باغهای گل؛

دشت‌های بی‌دروپیکر؛

سربرون آوردن گل از درون برف؛

تاب نرم رقص ماهی در بلور آب؛

بوی خاک عطر باران خورده در کهسار؛

خواب گندمزارها در چشمه‌ی مهتاب؛

آمدن، رفتن، دویدن؛

عشق ورزیدن؛

در غم انسان نشستن؛

پابه‌پای شادمانی‌های مردم پای کوبیدن؛

کارکردن، کارکردن؛

آرمیدن؛

چشم‌انداز بیابان‌های خشک و تشنه را دیدن؛

جرعه‌هایی از سبوی تازه آب پاک نوشیدن؛

گوسفندان را سحرگاهان به سوی کوه راندن؛
هم‌نفس با بلبلان کوهی آواره خواندن؛
در تله افتاده آهویچگان را شیردادن؛
نیم‌روز خستگی را در پناه درّه ماندن؛
گاه‌گاهی،

زیر سقف این سفالین بام‌های مه گرفته،
قصه‌های درهم غم را ز نم‌های باران‌ها شنیدن؛
بی‌تکان گهواره‌ی رنگین کمان را
در کنار بام دیدن؛
یا، شب برفی،
پیش آتش‌ها نشستن،
دل به رؤیاهای دامنگیر و گرم شعله بستن...

آری، آری، زندگی زیباست.
زندگی آتشگهی دیرنده پابرجاست.
گر بیافروزش، رقص شعله‌اش در هر کران پیداست.
ور نه خاموش است و خاموشی گناه ماست.»